

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)
رساله دکتری رشته فلسفه، گرایش حکمت متعالیه

بررسی اختیار انسان در حکمت متعالیه و علوم اعصاب شناختی:
با محوریت آراء ملاصدرا و گزنیگا

استاد راهنما:

دکتر محمد کاظم علمی

اساتید مشاور:

دکتر علی غنایی چمن آباد

دکتر علی رضا کهنسال

نگارش:

زهرا رسولی

بهار ۱۳۹۸

اظهارنامه مربوط به انتشار رساله

اینجانب **زهرا رسولی** دانشجوی دوره دکتری رشته **حکمت متعالیه** دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده رساله بررسی اختیار انسان در حکمت متعالیه و علوم اعصاب شناختی با محوریت آراء ملاصدرا و گزینگا تحت راهنمایی دکتر محمد کاظم علمی متعهد می شوم:

تحقیقات در این رساله توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است. در استفاده از نتایج پژوهش های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد کرده ام. مطالب مندرج در رساله تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نگردیده است. کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد است. مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید. حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی رساله/پایان نامه تاثیر گذار بوده اند را در مقالات مستخرج از رساله رعایت کنم و در تمامی آنها نام استاد راهنما به عنوان نویسنده مسئول و نیز نام استادان مشاور و نشانی الکترونیکی دانشگاهی آنان را قید نمایم. در کلیه مراحل انجام این رساله، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی داشته یا از آنها استفاده کرده ام، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق پژوهشی را رعایت نموده ام.

امضای دانشجو

تاریخ

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به **دانشگاه فردوسی مشهد** می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوط ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله بدون ذکر مرجع مجاز نیست.



مشخصات رساله تحصیلی دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله: بررسی اختیار انسان در حکمت متعالیه و علوم اعصاب شناختی: با محوریت آراء ملاصدرا و گزینا

نویسنده: زهرا رسولی

استاد راهنما: دکتر محمد کاظم علمی سولا

استاد مشاور اول: دکتر علی غنایی چمن آباد

استاد مشاور دوم: دکتر علی رضا کهنسال

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	گروه: فلسفه	رشته تحصیلی: حکمت متعالیه
تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ○ دکتری ●	تعداد صفحات: ۲۲۰	

چکیده

بحث اختیار انسان از مهم ترین و قدیمی ترین مباحث تفکر بشری است که از زوایای مختلف فلسفی، کلامی، حقوقی و اخلاقی مورد واکاوی واقع شده است. در فلسفه اسلامی دیدگاه های مختلفی بیان شده است که جامع ترین آنها دیدگاه ملاصدرا است که بر مبنای اصول خاص فلسفه اصالت وجودی خویش به نحو ابتکاری آن را تبیین کرده است. پیشرفت های حاصل در علوم شناختی در سال های اخیر باعث توجه به این موضوع از جنبه عصب شناختی شده است و یکی از برجسته ترین متخصصان این حوزه، مایکل گزینا است که به نحو مبسوطی به تبیین آن پرداخته است. این پژوهش ابتدا دیدگاه های دو متفکر را در حوزه هایی چون مبانی و اصول فکری آنها به ویژه در بحث مساله نفس و بدن و نیز اختیار انسان بیان می کند، پس از بیان هر قسمت به مقایسه دیدگاه آنها پرداخته وجوه اشتراک و تفاوت آنها را بیان می کند، سپس به تحلیل علت و مبنای اشتراکات پرداخته و در نهایت به ارزیابی دیدگاه آنها می پردازد و به این نتیجه می رسد که فلسفه اسلامی به ویژه حکمت متعالیه با داشتن بنیان مستحکم و دقیق عقلی منطبق بر آموزه های دینی و عرفانی و نیز پیش گامی در بیان برخی از دیدگاه های مطرح شده در فلسفه ذهن معاصر مانند نوحاستگی نفس از بدن نیاز به همسویی بیش تری با واژگان فلسفی معاصر و نیز یافته های علمی جدید به ویژه در مباحث انسان شناسی دارد که می توان گفت پرداختن به پژوهش های تطبیقی به این به روزآوری کمک شایانی نموده و راهی است برای نشان دادن رابطه مکملیتی که می تواند بین فلسفه اسلامی و علم به صورت واضح تری وجود داشته باشد. از طرف دیگر در حوزه عصب شناسی نیز گزینا معتقد است ما نیاز به استدلال فلسفی مدرن داریم و علوم اعصاب جدید هم باید ارج نهاده شده و فهمیده شوند.

کلید واژه: اختیار، اراده، مفسر مغز، ملاصدرا، گزینا	امضای استاد راهنما:	تاریخ:
--	---------------------	--------

قدردانی و سپاس

نگارش و تدوین این اثر را مدیون لطف خداوند، همکاری و مشورت استادان عزیز و یاری خانواده و دوستانم هستم. کمال تشکر و امتنان من پیشکش به محضر استاد فرزانه و عزیزم جناب آقای دکتر محمدکاظم علمی که همواره بسی بیش از یک راهنما، راهنمای من بودند و نام مبارک «معلم» به حق برازنده ایشان است. درسشان گیرا و رسا، و منششان دلنشین و تاثیرگذار. عزت و دولتشان مستدام.

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر غنائی چمن آباد که مشاورم بودند، متخلق و متواضع، با رویی گشاده یاریم کردند. زحمات و نکته‌بینی‌های متخصصانه‌شان را ارج می‌نهم. سپاس بی‌کران تقدیم ساحت ایشان. خداوند عزتشان را روزافزون کند.

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر کهنسال که دیگر مشاورم بودند بزرگوار و استادانه، با سعه صدر مرا در مسند شاگردی پذیرفتند. دقت‌ها و نکته‌سنجی‌های عالمانه‌شان راهگشای راهم بود. سپاس بی‌کران تقدیم ساحت ایشان. خداوند بر عزتشان بیفزاید.

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر گلد، که بدون تکلف، با رویی گشاده راهنمایی مرا در دوره فرصت مطالعاتی پذیرفتند. استادی که از ایشان هم علم آموختم و هم انسانیت و اخلاق. هر کجا هست خداوند یاور و نگهدارشان باد. دیگر استادان عزیزم آقایان دکتر مسعودی، دکتر حسینی شاهرودی، دکتر جوارشکیان و دکتر حقی که سال‌ها افتخار شاگردی‌شان را داشتم و آموزه‌هایشان سرمایه‌ای ارزشمند برایم گردید. برقرار باد توفیقشان با یاری خداوند مهربان.

ذکر جمیل و دعای خیر تقدیم دوستانم جناب آقای دکتر نیرومند، سرکار خانم دکتر زهرا محمدی محمدیه، جناب آقای دکتر محمد شعیب اشرف، سرکار خانم مانیکا تُرکات و جناب آقای ژیل سینت اوین که بی‌منت یاریم کردند. برکت و نیکویی همراه همیشه زندگی‌شان.

و در آغاز و انجام، ولی نعمت‌انم، پدر مهربان و مادر دلسوزم که شکرشان هم‌ردیف شکر خداوند است. در انجام وظایفم نسبت به ایشان، تقصیرم بی‌شمار است اما به دعای خیرشان همواره امید دارم. عمر و عزتشان مستدام.

و خواهران مهربانم، سمانه، نرگس و مریم، و برادر عزیزتر از جانم جواد و همسر خواهر عزیزم جناب آقای محمد سبحانی که قدردانی و ذکر خیر آنها کاری بس دشوار است. توفیق همواره رفیق راهشان.

و من الله التوفیق و علیه التکالان

زهره رسولی

فروردین ۱۳۹۸

فهرست مطالب

فصل اول

۱- مقدمه و کلیات	۱۲
۱-۱- مقدمه	۱۲
۱-۲- تبیین موضوع	۱۳
۱-۳- ضرورت تحقیق و هدف	۱۳
۱-۴- پرسش های اساسی تحقیق	۱۴
۱-۵- فرضیه ها یا پاسخ های احتمالی تحقیق	۱۵
۱-۶- پیشینه تحقیق	۱۶
۱-۷- جنبه جدید بودن و نوآوری طرح	۱۷
۱-۸- روش انجام تحقیق	۱۷
۱-۹- ساختار پژوهش	۱۸
۲-۱- کلیات	۱۹
۲-۱-۱- واژه شناسی	۱۹
۲-۱-۲-۱- اختیار	۱۹
۲-۱-۲-۱- اراده	۲۰
۲-۱-۲-۳- نسبت اراده و اختیار	۲۱

- ۲۱ ۴-۱-۲-۱- جبر
- ۲۲ ۲-۲-۱- پیشینه بحث
- ۲۲ ۱-۲-۲-۱- پیشینه بحث در فلسفه اسلامی
- ۲۵ ۲-۲-۲-۱- پیشینه بحث اختیار در علوم اعصاب‌شناختی

فصل دوم

- ۲۹ ۲- مبانی و اصول فکری دو اندیشمند
- ۲۹ ۲-۱- گستره فکری و پژوهشی
- ۲۹ ۲-۱-۱- گستره فکری و پژوهشی ملاصدرا
- ۳۷ ۲-۱-۲- گستره فکری و پژوهشی گزینگا
- ۳۹ ۲-۱-۳- مقایسه، تحلیل، ارزیابی
- ۴۲ ۲-۲- دیدگاه دو متفکر در مساله نفس/ذهن و بدن/مغز
- ۴۲ ۲-۲-۱- نوحاسته‌گرایی
- ۵۲ ۲-۲-۱-۲- تعریف امر نوحاسته
- ۵۳ ۲-۲-۱-۳- انواع نوحاستگی
- ۵۵ ۲-۲-۲- دیدگاه ملاصدرا درباره مساله نفس و بدن
- ۶۷ ۲-۲-۲-۳- ملاصدرا و دیدگاه نوحاسته‌گرایی
- ۷۲ ۲-۲-۳- نوحاسته‌گرایی گزینگا
- ۷۳ ۲-۲-۳-۱- ساختار مغز
- ۷۴ ۲-۲-۳-۲- ذهن
- ۷۴ ۲-۲-۳-۳- مسأله مغز و ذهن

۹۳..... ۴-۲-۲- مقایسه، تحلیل، ارزیابی

فصل سوم

۱۰۱..... ۳- اختیار انسان از دیدگاه ملاصدرا و گزینگا

۱۰۱..... ۳-۱- اختیار انسان از نظر ملاصدرا

۱۰۱..... ۳-۱-۱- مبادی تصویری

۱۰۴..... ۳-۱-۱-۶- اختیار

۱۰۶..... ۳-۱-۲- اصول وجودشناختی ملاصدرا در بحث اختیار انسان (مبادی تصدیقی)

۱۱۱..... ۳-۱-۳- تبیین اختیار

۱۱۶..... ۳-۱-۴- وجودشناسی اختیار

۱۲۰..... ۳-۱-۵- نسبت اختیار به خداوند

۱۳۴..... ۳-۱-۶- جمع‌بندی دیدگاه ملاصدرا

۱۳۵..... ۳-۲- اختیار انسان از دیدگاه گزینگا

۱۳۵..... ۳-۲-۱- واژه‌های کلیدی دیدگاه گزینگا

۱۳۷..... ۳-۲-۲- تبیین اختیار

۱۵۷..... ۳-۲-۳- اختیار

۱۶۸..... ۳-۲-۴- اعتقاد به اراده آزاد و فرهنگ

۱۸۶..... ۳-۳- مقایسه، تحلیل، ارزیابی

۱۸۶..... ۳-۳-۱- مقایسه

۱۸۹..... ۳-۳-۲- تحلیل

۱۹۰..... ۳-۳-۳- ارزیابی

۴- ضمائم ۱۹۳

منابع

۱- منابع فارسی ۲۱۲

۱-۱- کتاب‌ها ۲۱۲

۱-۲- مقاله‌ها ۲۱۵

۱-۳- نرم‌افزارها ۲۱۵

۲- منابع انگلیسی ۲۱۵

۲-۱- کتاب‌ها ۲۱۵

۲-۲- مقاله‌ها ۲۱۷

۲-۳- رساله‌ها ۲۱۹

فصل اول

مقدمه و کلیات

۱- مقدمه و کلیات

۱-۱- مقدمه

در تفکر اسلامی و به ویژه حکمت صدرایی بر خودشناسی و رسیدن به معرفت حق تعالی از طریق معرفت نفس تأکید زیادی شده است. ملاصدرا معتقد است که انسان در ذات و صفات و افعال خویش شبیه حق تعالی است، بنابراین شناخت هر یک از این ابعاد وجودی راهی به سوی شناخت حق تعالی است. گزینگان نیز معتقد است یکی از مسایل مهم اندیشه بشری شناخت خود است که پیشرفت علوم اعصاب شناختی به این امر کمک شایانی کرده است. از منظر هر دو متفکر یکی از مباحث مهم مربوط به خودشناسی بحث از اختیار یا اراده آزاد انسان می باشد که به جهت تاثیر و اهمیت آن در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان از دیرباز در رشته ها و حوزه های متفاوتی چون فلسفه، فلسفه اخلاق، حقوق، روانشناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است چنان که در سده های اخیر نیز در حوزه های مختلف فلسفه تحلیلی افرادی مانند رابرت کین^۱، تیموتی اُکانر^۲، هری فرانکفورت^۳ و در فلسفه قاره ای فلاسفه ای چون هایدگر، هابرماس^۴ به طور مشروح بحث کرده اند. در تفکر اسلامی نیز در حوزه های کلام، فلسفه، عرفان، اخلاق مورد بحث قرار گرفته است. پیشرفت های اخیر در حوزه علوم شناختی باعث طرح این بحث در حوزه علوم اعصاب شناختی نیز شده است. اولین بار بنجامین لیبت اختیار را از منظر فیزیولوژیکی بررسی کرد که نتایج آزمایش های وی منشأ مباحث فلسفی و عصب شناختی زیادی شد. بعد از وی متخصصان دیگری در حوزه علوم اعصاب شناختی و روانشناسی اجتماعی این بررسی ها را ادامه داده اند و در کنار آنها فلاسفه معاصر چون آلفرد میلی و نانسی مورفی نیز به نقد و بررسی یافته های آنها پرداخته اند. یکی از متخصصان علوم اعصاب شناختی که به این بحث پرداخته و سعی کرده است در کنار مباحث تخصصی اعصاب شناختی منظر فلسفی نیز داشته باشد، مایکل گزینگان، پدر علوم شناختی جهان می باشد. ملاصدرا در آثار خود به طور مفصل این موضوع را از جنبه الهی و انسانی مطرح کرده است و این پژوهش به بررسی جنبه انسانی اختیار از دیدگاه ملاصدرا و دیدگاه عصب شناختی گزینگان می پردازد و پس از بیان وجوه اشتراک و افتراق نظریات آن دو به ارزیابی و نقادی آن ها می پردازد و نهایتاً مدعی

¹- Robert Kane

²- Timothy O'Connor

³- Harry G. Frankfurt

⁴- Habermas

است که حکمت متعالیه در برخی موضوعات فلسفه معاصر مانند نوحاستگی نفس پیشگام است، و بازخوانی این نظریه بدیع صدرایی را در واژگان فلسفی معاصر ضروری می‌داند. هم‌چنان که گزینگان نیز بر این ضرورت اذعان دارد که ما به استدلال فلسفی مدرن نیاز داریم و علوم اعصاب‌شناختی^۱ جدید نیز باید ارج نهاده شده و فهمیده شوند.

۱-۲- تبیین موضوع

بحث جبر و اختیار از دشوارترین و تاحدی پرچالش‌ترین مسائلی است که از جوانب مختلف از سوی متفکران با گرایش‌های فکری متفاوت مورد بحث و واکاوی قرار گرفته است. در نظام فکری ملاصدرا این موضوع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در علم عصب‌شناسی نیز درباره اراده آزاد و جایگاه آن در مغز مباحثی مطرح شده که می‌تواند مباحثی جدی در فلسفه ایجاد کند. این پژوهش، جستاری تطبیقی و میان‌رشته‌ای است که تلاش می‌کند این مساله مهم و خطیر را از دو منظر حکمت متعالیه و علوم اعصاب‌شناختی با محوریت آراء ملاصدرا و گزینگان مورد واکاوی و مقایسه قرار دهد تا به بررسی ابعاد علمی و فلسفی این موضوع پرداخته و با بیان وجوه اشتراک و اختلاف این دو دیدگاه به شناخت بهتر و تام‌تری از این موضوع دست یابد.

۱-۳- ضرورت تحقیق و هدف

بحث جبر و اختیار از مهم‌ترین مباحث تفکر بشر است، زیرا رویکرد انسان در قبال این بحث تاثیر مستقیمی بر جهان‌بینی نظری و جهت‌گیری‌های عملی در زندگی فردی و اجتماعی دارد و مباحث مربوط به آن هم از دین و علم تاثیر پذیرفته و هم بر آنها تاثیر گذاشته است. در فلسفه مباحث مربوط به جبر و اختیار به موضوعاتی از قبیل ذهن و بدن؛ توحید، عدل، معاد، تکلیف و مسئولیت، اجبار و کنترل، و ضرورت، امکان و کیفیت صدور فعل نفس می‌انجامد، در نتیجه مساله اختیار در یک حوزه از فلسفه نمی‌گنجد بلکه با فلسفه دین، فلسفه اخلاق، فلسفه اجتماعی و سیاسی، فلسفه ذهن، متافیزیک، معرفت‌شناسی، فلسفه حقوق مرتبط است.

¹ - cognitive neuroscience

در علم جدید نیز جهان به مثابه ماشینی پیچیده تعریف می‌شود که در سیطره قوانین تغییرناپذیر و قابل پیش‌بینی است. طبیعی است که با این نگرش از جمله سوالاتی که مطرح می‌شود آن است که آیا اراده انسان در نهایت به وسیله برخی عوامل محیطی، وراثتی، روان‌شناختی و فیزیولوژیک تعیین نمی‌باید و حقیقتاً آزاد است؟

پیشرفت‌ها در علوم غیر از فیزیک نیز بسیار بوده که این پیشرفت‌ها مشتمل بر معرفتی عمیق‌تر درباره تأثیر ژنتیک و وراثت بر رفتار انسان هستند. در حال حاضر اطلاعات نسبتاً زیادی درباره تأثیرات زیست‌شیمیایی بر مغز در دسترس است: هورمون‌ها، انتقال‌دهنده‌های عصبی و حساسیت رفتار و حالات انسان به داروهای مختلف که شدیداً بر اندیشه و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد.

این عوامل علمی جدیداً کشف شده که بر رفتار انسان تأثیرگذار است به طور قطعی ثابت نمی‌کنند که انسان فاقد اختیار است و همچنان این امکان وجود دارد که با وجود همه تأثیرات زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی بر انسان، راهی برای اعمال اختیار پیدا شود.

این پژوهش دیدگاه ملاصدرا درباره این موضوع را با دیدگاه مایکل گزنیگا، پدر علوم اعصاب‌شناختی جهان که علاقه مند ورود به مباحث فلسفی مربوط به دیدگاه‌های عصب‌شناسی می‌باشد، در مباحثی چون ماهیت اختیار، دلایل و شواهد اختیار، ارتباط اختیار با مسئولیت اخلاقی مورد واکاوی و مقایسه قرار می‌دهد.

۱-۴ - پرسش‌های اساسی تحقیق

- ۱- مبانی و اصول فکری دو متفکر در بحث اختیار چیست؟
- ۲- سرشت اختیار در اندیشه این دو متفکر چگونه است؟
- ۳- دلایل ملاصدرا و شواهد علمی گزنیگا بر وجود یا عدم اختیار کدام است؟
- ۴- با توجه به مبانی، این دو متفکر، در حوزه رابطه اختیار و مسئولیت اخلاقی سازگارباور هستند یا ناسازگارباور؟

۱-۵- فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق

۱- در حوزه مساله مغز/ذهن گزینگا دیدگاه نوحاسته‌گرایی را پذیرفته است و معتقد است ذهن یک ویژگی نوحاسته از مغز است که با قوانین و برنامه‌های خاص خود کار می‌کند و حالت‌های ذهنی مانند آگاهی را نیز ویژگی نوحاسته از مغز می‌داند.

درباره رابطه بین ذهن و مغز گزینگا معتقد به علیت مغز برای ذهن است و این نوع علیت را علیت صعودی می‌نامد. وی در عین حال معتقد است ذهن نیز بر مغز تاثیر می‌گذارد و این نوع ارتباط را علیت نزولی نام می‌نهد. در واقع می‌توان گفت گزینگا نیز مانند ملاصدرا معتقد به رابطه علی متقابل بین ذهن و مغز می‌باشد اما در عین حال معتقد است مقولات ارسطویی قادر به تبیین رابطه مغز/ذهن نیست و مهم‌ترین مساله قرن اخیر یافتن زبانی جدید برای تبیین امور نوحاسته‌ای چون ذهن می‌باشد.

دیدگاه ملاصدرا در بحث نفس و بدن دیدگاهی منحصر به فرد است زیرا وی قایل به تجرد نفس بوده و رابطه اتحادی بین نفس و بدن قائل است و بدن را مرتبه نازل نفس می‌داند که از نظر نگارنده قابل تطبیق با دیدگاه نوحاسته‌گرایی وجودشناختی می‌باشد.

۲- این بخش مربوط به حوزه معناشناسی و وجودشناسی اختیار است.

حوزه معناشناختی: ملاصدرا درباره تعریف حقیقی اراده می‌گوید «هرچند معنای اراده نزد عقل واضح است و با امور دیگر اشتباه نمی‌شود، اما تعبیر آن به گونه‌ای که بتوان حقیقت آن را تصور نمود، مشکل است» زیرا اراده مانند علم از سنخ وجود است و مانند وجود تعریف پذیر نیست. ضمن اینکه از آنجا که امری وجودی است در همه موجودات سریان دارد اما بر حسب رتبه وجودی آنها متفاوت می‌گردد.

همچنین ملاصدرا فاعل مرید را کسی می‌داند که به فعلش عالم باشد و فعلش منافاتی با ذات وی نداشته باشد. روشن است که در این تعبیرات ملاصدرا فعل ارادی را فعلی می‌داند که فاعل، آن را آگاهانه و با رضایت و طیب نفس انجام دهد. همچنین ملاک فعل اختیاری از نظر وی علم و اراده است

گزینگا نیز اراده آزاد را به «آزادی خود برای عمل و انتخاب» تعریف می‌کند.

۳- **حوزه وجودشناسی: دلیل اول:** ملاصدرا معتقد است «اراده و کراهت در ما از امور وجدانی مانند سایر وجدانیات است، به طوری که شناخت جزئیات آنها آسان است، زیرا علم به آنها به وسیله عین حقیقتشان که نزد هر

مرید و مکرهی موجود است، حاصل می‌شود (اسفار، ۳۳۶/۶). از این سخن ملاصدرا استنباط می‌شود که ما اراده را به علم حضوری ادراک می‌کنیم.

دلیل دوم: برخی از آموزه‌های کلامی مانند مسئول بودن انسان، امر و نهی، ثواب و عقاب، حکمت و عدالت خداوند.

گزینگا معتقد است مغز یا ذهن انسان ساختاری لایه‌ای است که این لایه‌ها در تعامل کامل با یکدیگر قرار دارند. در سطح لایه فیزیولوژیک مغز چیزی به عنوان اراده وجود ندارد در سطح مغز به تنهایی اراده مفهومی ساخته و پرداخته پیمانه مفسر مغز که در نیمکره چپ قرار دارد، می‌باشد اما در لایه اجتماع آزادی و مسئولیت شخصی ویژگی‌های بعد اجتماعی انسان هستند چنان که با صراحت می‌گوید:

«من با آنهایی هم عقیده هستم که معتقدند شخص می‌تواند دیدگاه جبرگرایانه‌ای داشته باشد و در عین حال معتقد باشد انسان‌ها شخصا برای کارهایی که انجام می‌دهند مسئول هستند».

مقایسه دیدگاه‌های دو فیلسوف حاکی از تفاوتی مهم و اساسی بین آنها است زیرا ملاصدرا وجود اراده را پذیرفته و وجود آن را وجدانی می‌داند اما گزینگا این معنا از اراده را امری ساخته و پرداخته مغز می‌داند.

۴- از آنجا که ملاصدرا قائل به مختار و مرید بودن انسان است و یکی از مبانی اخلاق نیز پذیرش اختیار انسان است لذا می‌توان گفت ملاصدرا در حوزه اختیار انسان و مسئولیت اخلاقی سازگار باور است.

گزینگا نیز معتقد است مطالعات مستمر مغز نشان می‌دهد که برخی از بنیادهای اخلاق در مغز انسان مستقر است، لذا افراد باید در قبال اعمال خود مسئول دانسته شوند، زیرا آزادی و مسئولیت شخصی اموری واقعی هستند. پس می‌توان گفت وی نیز قائل به سازگاری اختیار و مسئولیت اخلاقی می‌باشد.

به طور کلی این پژوهش بر آن است تا با توجه به رابطه دو سویه نیازمندی علوم و فلسفه، به این نیاز و نیز نقش هر یک در تکمیل دیگری تاکید کند.

۱-۶- پیشینه تحقیق (کارهایی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته است):

در حوزه حکمت متعالیه بحث جبر و اختیار از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در قالب تعدادی مقاله و رساله مورد بررسی قرار گرفته است از جمله در:

پایان نامه بررسی تطبیقی مبادی اختیار انسان از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی

راهنما: زهرا خزاعی پدیدآور: حکیمه علیپور، دانشگاه قم - دانشکده الهیات ۱۳۹۲، کارشناسی ارشد

پایان نامه مساله جبر و اختیار در فلسفه های ملاصدرا و اسپینوزا (بررسی مقایسه ای)،

راهنما: علیزاده پدید آور: احمد عسگری دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد،

۱۳۸۱، کارشناسی ارشد

- مقاله مساله جبر و اختیار و راه حل ابتکاری ملاصدرا، فایدئی اکبر، خردنامه صدرا: تابستان ۱۳۹۳،

شماره ۷۶

این مقاله ابتدا دیدگاه های مختلف مانند اشاعره، معتزله، فلاسفه را بیان کرده و سپس به بیان تبیین مشهور ملاصدرا درباره نظریه امر بین الامرین می پردازد.

هر چند گزینگی پدر علوم اعصاب شناختی جهان، به عنوان شخصیتی بسیار برجسته و ممتاز در علوم اعصاب شناختی مطرح است و آراء وی در زمینه های مختلف مورد نقد و بررسی صاحب نظران واقع شده است اما در کشور ما به آراء وی پرداخته نشده و حتی هیچ یک از آثار وی هنوز به فارسی ترجمه نشده است. بررسی جبر و اختیار از منظر این دو متفکر به هیچ عنوان مورد بحث و واکاوی واقع نشده است.

۱-۷- جنبه جدید بودن و نوآوری طرح

بحث جبر و اختیار در حوزه تفکر اسلامی از جنبه های مختلف مورد بحث و بررسی واقع شده است اما در حوزه فلسفه ذهن و علوم شناختی به ندرت فلاسفه و دانشمندان علوم اعصاب به بحث از آن علاقه نشان داده اند. لذا این پژوهش که به مقایسه این موضوع در دو حوزه حکمت متعالیه و علوم اعصاب شناختی می پردازد در نوع خود بدیع و بی سابقه است، ضمن اینکه در تلاش است بر رابطه مکملیت بین فلسفه و علوم اعصاب شناختی تاکید نماید.

۱-۸- روش انجام تحقیق

از آنجایی که این تحقیق جستاری بنیادی است و روش تحقیق بنیادی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و مراجعه به آثار و منابع مکتوب است، نگارنده در این رساله سعی خواهد کرد در کنار استفاده از منابع جانبی از منابع اصلی و بنیادین

اندیشه این دو متفکر استفاده کند، و از داده‌های مستندی که از این طریق به دست می‌آید در مقام کشف و گردآوری؛ روش تفسیری و هرمنوتیکی و در مقام داوری؛ استنتاج منطقی را به کار گیرد.

۱-۹- ساختار پژوهش

این پژوهش شامل چهار فصل است. در فصل اول کلیات بحث مانند پیشینه اختیار در فلسفه اسلامی و علوم اعصاب‌شناختی و نیز واژه‌های کلیدی بحث می‌شود و در فصل دوم به بررسی مبانی و اصول دیدگاه‌های دو متفکر در دو بخش گستره فکری و پژوهشی و مساله ذهن و بدن می‌پردازد، سپس به مقایسه پرداخته و تفاوت‌ها و شباهت‌های دو دیدگاه را بیان می‌کند و پس از تحلیل آنها دو دیدگاه را ارزیابی می‌کند. در فصل سوم ابتدا اصول وجودشناختی ملاصدرا که دیدگاه وی درباره اختیار بر آنها مبتنی است بیان شده و سپس به تبیین اختیار انسان و نسبت آن با خداوند می‌پردازد. در فصل چهارم نیز ابتدا مقدمات لازم دیدگاه گزنیگا مانند آگاهی و هشیاری، پیمانه مفسر و خود بیان می‌گردد و سرانجام دیدگاه نهایی وی تبیین می‌شود. در نهایت به مقایسه دیدگاه‌های آنها پرداخته و پس از بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها به تحلیل و ارزیابی می‌پردازد.

۱-۲-کلیات

۱-۲-۱-واژه‌شناسی

۱-۲-۱-۱-اختیار

اختیار در لغت به معنای انتخاب و گزینش است اما در اصطلاح معانی مختلفی برای آن بیان شده است که از جمله الف) مختار کسی است که انجام و ترک فعل به خواست او باشد، در این معنا فاعل مختار دارای دو صفت قدرت و اراده است که با حصول این دو صفت صدور فعل نیز واجب می‌شود و بدون وجود هر یک از آنها حصول فعل ممتنع و ترک آن واجب می‌گردد.^۱

ب) در بعضی کارها نظارت و تسلط از من انجام می‌گیرد که مردم با شعور طبیعی خود آن را اختیار می‌نامند... مقاومت روحی که یک عامل درونی است می‌تواند عوامل مکانیکی بیرونی و درونی را تحت شرایط معینی خشی نموده و در نتیجه از اقدام به کار جلوگیری نماید. این نیروی مقاومت درونی از یک طرف و عوامل بیرونی مکانیکی از طرف دیگر تحت نظارت و تسلط «من» بعضی از کارها را از ضرورت قانون علیت کلاسیک در طبیعت کنار زده و کار اختیاری را به وجود می‌آورد.^۲

ج) علامه طباطبایی معتقد است حقیقت اختیار عبارت است از اینکه فعل به فاعل علمی‌ای منسوب باشد که فاعلیت آن تام بوده و مستقل در تاثیر باشد^۳

همچنین این واژه در معانی اصطلاحی دیگری چون تصمیم‌گیری پس از سنجش و گزینش، رضایت و رغبت انجام کار، تساوی نسبت فاعل به انجام و ترک فعل به کار رفته است.^۴

^۱ طوسی، نصیرالدین، دورساله فلسفی در بیان اراده انسان، نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۳۵

^۲ جعفری تبریزی، محمد تقی، جبر و اختیار، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۷۹، ص ۹۵

^۳ صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار القلیة الاربعه، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۱۲، حاشیه طباطبایی

^۴ رجبی، محمود، انسان‌شناسی در اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹

به نظر می‌رسد این اختلاف معنایی حاکی از مورد بحث واقع شدن این بعد وجودی انسان از جهات مختلف است که خود دال بر ابهام و پیچیدگی مفهوم و ماهیت آن می‌باشد اما وجه مشترک دیدگاه کسانی که اختیار را پذیرفته‌اند آن است که عموماً سعی کرده‌اند نوعی آزادی در عمل برای انسان اثبات کنند.

۱-۲-۱-۲- اراده

برخی فلاسفه اسلامی مانند علامه طباطبایی و ملاصدرا بر این باورند که اگرچه برای وجود اراده شواهدی موجود است اما تعبیری که حقیقت اراده را بیان کند در اختیار نیست.^۱ لذا در فلسفه اسلامی تعبیر و معانی مختلفی برای بیان تعریف و حقیقت اراده به کار برده شده است که می‌توان گفت بیش‌تر این تعاریف یا اراده را از سنخ ادراک دانسته‌اند یا از سنخ کیف نفسانی و همان‌طور که بیان خواهد شد ملاصدرا اراده را از سنخ وجود می‌داند.

الف) علامه طباطبایی در مواضع مختلف آثار خود چستی اراده را این‌گونه بیان می‌کند: «اراده در انسان صفت نفسانی است که به دنبال علم به مصلحت فعل تحقق می‌یابد و نیز می‌توان گفت انگیزه‌ای زائد [بر ذات] است که به خاطر وجود آن و وجود علم به آن در فاعل شدن فاعل برای فعل دخالت می‌کند، یعنی مبدأ فاعلی در انسان مقید به علمی است که داعی و سبب فعل است».^۲

ب) بعضی از معتزله اراده را از سنخ ادراک می‌دانند و آن را به اعتقاد یا ظن و گمان به وجود مصلحتی در فعل تفسیر کرده‌اند.^۳

^۱. طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایه الحکمه، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، دوازدهم، ۱۳۶۰، ص ۱۲۱

^۲. همان، ص ۱۲۲؛ الحکمه المتعالیه، ج ۶، ص ۳۰۷، حاشیه طباطبایی

^۳. عبد الجبار معتزلی، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، ج ۶، تحقیق جورج فتواتی، الدار المصریه، قاهره، ۱۹۶۵، ص ۸